



۲ هفته موساد زیر ضربه وزارت اطلاعات

سربازان گمنام امام زمان(عج) در وزارت اطلاعات عوامل ۲ هفته عملیاتی وابسته به موساد و یک مزدور که قصد انتقال اطلاعات یکی از مراکز نظامی به خارج از کشور را داشت در ۶ استان بازداشت کردند. در این عملیات یکی از تروریست‌ها که با مأموران درگیر شده بود هدف قرار گرفت و به هلاکت رسید.



مرگ دلخراش کودکی در بندرلنگه

باری ۲ پسر خردسال در ساحل بندرلنگه پایان خوشی نداشت و با جان باختن یکی از آنها پایان یافت. این حادثه عصر شنبه، وقتی ۲ کودک مشغول بازی در ساحل بودند اتفاق افتاد و با ورود آنها به دریا یکی که ۲ و نیم سال داشت غرق شد و دومین پسر که ۵سال دارد با انتقال به بیمارستان از مرگ نجات یافت.

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری مطرح کرد

نبرد با سارقان زیر سایه جنگ



گفت‌وگو
الهه فراہانی | روزنامه نگار
با آغاز جنگ تحمیلی سوم و بمباران بر خسی نقاط پایتخت مأموران پلیس آگاهی تهران حتی یک لحظه میدان خدمت را ترک نکردند. برخی پایگاه‌های پلیس آگاهی تهران هدف حمله قرار گرفت و بسیاری از زیرساخت‌ها با اختلال روبه‌رو شدند، اما رسیدگی به پرونده‌ها، پیگیری جرائم و حفاظت از اموال مردم متوقف نشد. مأموران آگاهی در همان شرایط سخت در کنار خرابه‌های پایگاه‌ها و زیر سایه پت‌ها به کار خود ادامه دادند و تلاش کردند امنیت شهر و آرامش شهروندان حفظ شود. حالا سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در گفت‌وگو با همشهری از فعالیت‌ها و عملیات پلیس آگاهی در روزهای جنگ می‌گوید.

کار در دل بحران

سردار ولیپور گودرزی با اشاره به شرایط دشوار روزهای جنگ می‌گوید: دشمن به شایگاه پلیس آگاهی تهران حمله کرد و بخشی از این مراکز تخریب شد، اما حتی یک روز هم کار مردم روی زمین نماند. ما همان جا و در کنار خرابه‌ها مقررهای موقت ایجاد کردیم و همکارانم در همان شرایط به پرونده‌ها رسیدگی می‌کردند. به گفته او، برای اینکه کار مردم متوقف نشود، مقابل این مقرها میز خدمت برپا شد تا مراجعه‌کنندگان بتوانند شکایت‌ها و درخواست‌های خود را مطرح کنند.

گشت‌های نامحسوس برای جلوگیری از سرقت
رئیس پلیس آگاهی تهران در ادامه به اقدامات پیشگیرانه اشاره می‌کند و می‌گوید: در حوزه سرقت، گشت‌های ویژه و نامحسوس را فعال کردیم تا اجازه ندهیم سارقان فرصت‌طلب از شرایط جنگ

سوءاستفاده کنند.

او توضیح می‌دهد: هر جا موشکی اصابت می‌کرد یا حادثه‌ای رخ می‌داد، تیم‌های پلیس آگاهی به محل اعزام می‌شدند. مأموران علاوه بر بررسی موضوع، مراقب اموال مردم بودند تا کسی نتواند از این شرایط سوءاستفاده کند. در برخی از این مناطق نیز تعدادی از سارقان شناسایی و دستگیر شدند.

او می‌افزاید: در حوزه سرقت منزل نیز با اینکه آمار نسبت به قبل کاهش یافته بود، برای هر پرونده تیم عملیاتی اعزام می‌شد و پرونده‌ها با همان جدیت گذشته بررسی می‌شد. در این مدت حدود ۵هزود سرقت منزل ثبت شد که همه آنها مورد رسیدگی قرار گرفت.

کاهش سرقت خودرو و در شرایط جنگی

موضوع بعدی بر خورد با سارقان خودرو و در پایتخت بود. وقتی کشور دچار بحران شده بود، برخی از تپه‌کاران به گمان اینکه پلیس حواسش نیست، نقشه سرقت خودروها را می‌کشیدند، غافل از اینکه پلیس یک قدم از تپه‌کاران جلو تر است. به گفته رئیس پلیس آگاهی تهران، در حوزه سرقت خودرو نیز اقدامات پلیس ادامه داشت و حتی در برخی موارد شاهد کاهش سرقت بودیم. او می‌گوید: با اینکه در

فعالیت ویژه در تشخیص هویت

یکی از آزارهای پلیس آگاهی تهران اداره تشخیص هویت است که در روزهای جنگ پرکار تر از همیشه بود. ولیپور گودرزی در ادامه به تلاش نیروهای تشخیص هویت اشاره می‌کند و می‌گوید: همکاران ما در بخش انگشت‌نگاری و تشخیص هویت لحظه‌ای کار را متوقف نکردند. در بیشتر زهراس) عملیات احراز هویت پیکر شهدای جنگ با تجهیزات تخصصی انجام می‌شد تا پس از شناسایی، پیکر شهدای عزیزمان تحویل خانواده‌هاشان شود.

صفحه ۱۰۱ | علی حسینی

انتظامی

سرقت مسلحانه از پلافروشی اندرز گو

سارق مسلحی که در پوشش مشتری وارد یک پلافروشی در بلوار اندرزگو شده بود، پس از تهدید صاحب مغازه با اسلحه، مقادیر زیادی طلا سرقت کرد و گریخت. به گزارش همشهری، حوالی ساعت ۱۱:۴۰ صبح روز گذشته، فردی وارد یک پلافروشی در بلوار اندرزگو شد. متهم ابتدا از پلافروش خواست تا چندین سرویس طلا را به وی نشان دهد. فروشنده هم چند سینی طلا را روی پیشخوان قرار داد. در این لحظه، سارق ناگهان یک قبضه کلت کمتری از زیر لباس خود خارج کرد و با تهدید پلافروش، اقدام به جمع‌آوری طلاهای داخل سینی‌ها کرد. وی بلافاصله پس از سرقت، از مغازه خارج شد و با یک خودروی سراتو که در نزدیکی محل پارک نشده بود، به سرعت متواری شد. با اعلام وقوع این سرقت مسلحانه، کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت بلافاصله در محل حاضر شدند. مأموران با بازبینی تصاویر دوربین‌های مدار بسته و انجام تحقیقات میدانی، عملیات گسترده‌ای را برای شناسایی هویت سارق شروع کردند.

جنایت در ارومیه، دستگیری در تهران

پسری جوان که در شهرستان ارومیه مرتکب جنایت شده و به پایتخت گریخته بود، در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. به گزارش همشهری، چند روز قبل، یک درگیری به خاطر کل کل کردن و کرب خوانی میان ۲ گروه در یکی از محله‌های شهرستان ارومیه رخ داد که در جریان این دعوا، پسری جوان هدف ضربه چاقو قرار گرفت و جان باخت. مأموران پلیس با آغاز تحقیقات میدانی و بررسی‌های محلی، هویت متهم اصلی را شناسایی کردند. در ادامه مشخص شد متهم ۳۰ساله پس از وقوع حادثه از ارومیه گریخته و در تهران مخفی شده است. مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی مخفیگاه او را در خانه مادر بزرگش شناسایی و در روز در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌های اولیه مدعی شد در جریان درگیری و از ترس حمله چند نفر، با چاقو ضربه‌ای به مقتول زده و قصد کشتن او را نداشته است. پرونده برای ادامه رسیدگی به مرجع قضایی ارومیه ارسال شده است.



صفحه ۱۰۱ | بهروز قلی‌پور

روایت

برف و باران هم جلوی تدریس خانم معلم را نگرفت

از ابتدای جنگ تحمیلی سوم که مدارس تعطیل و کلاس‌ها آنلاین و غیر حضوری شد رویا مهدی‌زاده، مدیر آموزگار هر روز به روستای جانی‌بیگلو در دهستان پیغام‌چایی شهرستان کلکبر در آذربایجان شرقی می‌رفت تا بتواند کلاس‌های درس را برای بچه‌ها حضوری برگزار کند.

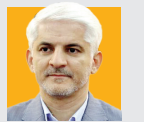
مدیر آموزگار روستای جانی‌بیگلو به همشهری می‌گوید: «اینترنت نبود یا ضعیف کار می‌کرد و بعضی از بچه‌ها نمی‌توانستند از برنامه شاد استفاده کنند. برای همین وظیفه خود می‌دانستم میدان را خالی نکنم و نگذارم دانش‌آموزان از درس عقب بمانند.»

رویا مهدی‌زاده می‌افزاید: «هاکار ما در آن شرایط حضور مستقیم در خانه‌های دانش‌آموزان بوده، اقدامی که با هماهنگی خانواده‌ها انجام می‌شد. شخصاً با خانواده‌ها تماس می‌گرفتم و مثلاً می‌گفتم امروز به خانه شما می‌آیم، بچه‌ها را دور هم جمع کنید. بعد می‌رفتم آنجا، تدریس می‌کردم و رفع اشکال انجام می‌دادم.» مدرسسه تحت مدیریت رویا مهدی‌زاده یک واحد آموزشی چندپایه با ۶ دانش‌آموز از پایه دوم تا ششم است. او می‌گوید: «بچه‌های پایه‌های پایین‌تر واقعاً نمی‌توانستند از آموزش مجازی استفاده کنند. بعضی خانواده‌ها هم سواد کافی نداشتند که به آنها کمک کنند و به همین دلیل حضور در خانه‌ها ضروری بود.» مهدی‌زاده با اشاره به واکنش خانواده‌ها عنوان می‌کند: «استقبال خیلی خوبی از کلاس‌های حضوری می‌شد، به‌خصوص خانواده‌هایی که خودشان سواد نداشتند.»

او از سختی مسیر و شرایط جوی نیز می‌گوید: «گاهی در هوای سرد، برف و باران به خانه دانش‌آموزان می‌رفتم اما وقتی ذوق بچه‌ها را می‌دیدم همه تنگ‌اسم‌آ می‌بین می‌رفت. بچه‌ها فکر می‌کردند دیگر مدرسه‌ای در کار نیست و وقتی ما را می‌دیدند انگیزه می‌گرفتند.»

مهدی‌زاده که مادر ۲ فرزند است مسیر رفت‌وآمد حدود ۲۰ تا ۲۵ دقیقه‌ای را از کلکبر تا روستای جانی‌بیگلو به‌طور مستمر طی می‌کند تا آموزش حتی در دشوارترین شرایط نیز ادامه داشته باشد؛ تلاشی که به گفته خودش بیش از هر چیز از حس مسئولیت و علاقه به آموزش نشأت می‌گیرد. این معلم تأکید می‌کند: «تلاش‌هایی نتیجه‌نمانده است. وقتی تکالیف دانش‌آموزان را بررسی می‌کنم می‌بینم روند یادگیری ادامه داشته است.» این معلم اضافه می‌کند: «برای من مهم بود که در این شرایط نقش خودم را ایفا کنم و نشان دهم که معلمان در هر شرایطی کنار دانش‌آموزان هستند و آنها را تنها نمی‌گذارند.»

۱۰۳ میلیارد تومان به آسیب‌دیدگان جنگ در لرستان پرداخت شد
مهدی مجیدی، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان: ۱۰۳ میلیارد تومان به‌صورت بلاعوض یا ودیعه مسکن به متقاضیانی که واحد مسکونی آنها به‌دلیل حملات محور آمریکایی-صهیونی آسیب دیده است، پرداخت شد. ۶۴۰۹ واحد تجاری و مسکونی در جنگ آسیب دید.



بسته حمایتی برای فعالان گردشگری

سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: بسته‌های حمایتی متعددی برای فعالان گردشگری ارائه خواهد شد که جزئیات آن به‌زودی اعلام می‌شود. صنعت گردشگری ایران باید آماده جهش در دوران پساجنگ باشد و برنامه‌ریزی برای این موضوع در دستور کار قرار گرفته است.



مقاومت با رنگ و قلم مو

اعضای یک گروه جهادی داوطلبانه هنر خود را خرج دیوارنویسی و نقاشی دیواری در خیابان‌های مشهد می‌کنند

گزارش

را حله عبدالحسینی | روزنامه نگار یکی از حاذق‌ترین نقاشان دیواری مشهد که رسالتش را از بیاسازی شهر می‌داند، با شروع جنگ تحمیلی سوم دست به کار شد و با ۵نفر از بچه‌های خوش ذوق و هنر مند، گروه جهادی دیوارنویسی را راه انداخت. احمد منصوب و گروهش در این مدت شعارهای بسیاری روی دیوارهای شهر مشهد که به قول خودشان مهم‌ترین رسانه است، خوشنویسی کردند.



چهره شهر رسانه است

هر یک از اعضای گروه روزها مشغول کسب‌وکار خود است. نزدیک قرار شایبه مردم که می‌شود، با چند سطل رنگ و قلم‌موهایی که با هزینه شخصی خود تهیه کرده‌اند راهی یکی از خیابان‌های مشهد می‌شوند و دیوارنویسی را آغاز می‌کنند.

احمد منصوب که حساب تعداد دیوارنویسی‌های این مدت از دستش خارج شده، در مورد انتخاب شعارها برای دیوارنویسی به همشهری می‌گوید: «حرف‌هایی را که از دل و زبان مردم در تجمعات شبانه بیرون می‌آید روی دیوار می‌نویسیم. همین‌ها اصل‌ترین شعارها در حفظ و حراسیت کشور هستند. چهره شهر رسانه‌ای شده که باورها، فریادها و اراده مردم را نشان می‌دهد.»

ایران حسین(ع) پیروز است
احمد منصوب ۵۴ساله است و علاقه به هنر دیوارنویسی از روزهای نوجوانی که دیوارنویسی زمان دفاع مقدس را می‌دید در او شکل گرفت. می‌گوید: «سنیم به جبهه رفتن قد نمی‌داد اما به خوبی یادم هست که دیوارنویسی در دهه ۶۰ تا چه اندازه مهم و تأثیرگذار بود. همین باعث شد دنبال رشته گرافیک و نقاشی بروم و در حوزه نقاشی دیواری فعالیت کنم. حالا هم با افتخار می‌گویم که دیوارنویس جنگ هستم.»

منصوب درباره خاطرات شیرینی که این شب‌ها برایش رقم خورده نیز می‌گوید: «فردای از ما خواستند به کوچ‌های برویم یا دیواری در محله‌شان معرفی کردند و پیشنهاد نوشتن «ایران حسین(ع) تا ابد پیروز است» را دادند که هنوز صف خود را از دشمن جدا نکرده‌اند. رسالت دیوارنویسی هم همین است که واقعیت جنگ را نشان بدهد و ماندگار کند.»

فعالیت این گروه جهادی دیوارنویسی با اسبیری نیست و خطاطی و نقاشی دیواری انجام می‌دهند: «گاهی کار ما تا نیمه‌های شب طول می‌کشد.»

مستند «دیوارنویس جنگ» روایتی از هنرمندان انقلابی است که با نقش‌زین شعارهای مقاومت بر دیوارهای شهر، سیمای شهر را به رسانه‌ای زنده برای نمایش اورها و اراده ایران اسلامی در پی تیران نظامی آمریکایی-صهیونیستی تبدیل می‌کنند. این مستند همسایه‌ها برای ما جای و میوه می‌آورد و هیچ همدلی‌ای زیباتر از این نیست. مردم ایران صلح و آزادی را برای تمام جهان می‌خواهند.»

۶۶

صفحه ۱۰۱ | بهروز قلی‌پور

روایت

برف و باران هم جلوی تدریس خانم معلم را نگرفت

از ابتدای جنگ تحمیلی سوم که مدارس تعطیل و کلاس‌ها آنلاین و غیر حضوری شد رویا مهدی‌زاده، مدیر آموزگار هر روز به روستای جانی‌بیگلو در دهستان پیغام‌چایی شهرستان کلکبر در آذربایجان شرقی می‌رفت تا بتواند کلاس‌های درس را برای بچه‌ها حضوری برگزار کند.

مدیر آموزگار روستای جانی‌بیگلو به همشهری می‌گوید: «اینترنت نبود یا ضعیف کار می‌کرد و بعضی از بچه‌ها نمی‌توانستند از برنامه شاد استفاده کنند. برای همین وظیفه خود می‌دانستم میدان را خالی نکنم و نگذارم دانش‌آموزان از درس عقب بمانند.»

رویا مهدی‌زاده می‌افزاید: «هاکار ما در آن شرایط حضور مستقیم در خانه‌های دانش‌آموزان بوده، اقدامی که با هماهنگی خانواده‌ها انجام می‌شد. شخصاً با خانواده‌ها تماس می‌گرفتم و مثلاً می‌گفتم امروز به خانه شما می‌آیم، بچه‌ها را دور هم جمع کنید. بعد می‌رفتم آنجا، تدریس می‌کردم و رفع اشکال انجام می‌دادم.» مدرسسه تحت مدیریت رویا مهدی‌زاده یک واحد آموزشی چندپایه با ۶ دانش‌آموز از پایه دوم تا ششم است. او می‌گوید: «بچه‌های پایه‌های پایین‌تر واقعاً نمی‌توانستند از آموزش مجازی استفاده کنند. بعضی خانواده‌ها هم سواد کافی نداشتند که به آنها کمک کنند و به همین دلیل حضور در خانه‌ها ضروری بود.» مهدی‌زاده با اشاره به واکنش خانواده‌ها عنوان می‌کند: «استقبال خیلی خوبی از کلاس‌های حضوری می‌شد، به‌خصوص خانواده‌هایی که خودشان سواد نداشتند.»

او از سختی مسیر و شرایط جوی نیز می‌گوید: «گاهی در هوای سرد، برف و باران به خانه دانش‌آموزان می‌رفتم اما وقتی ذوق بچه‌ها را می‌دیدم همه تنگ‌اسم‌آ می‌بین می‌رفت. بچه‌ها فکر می‌کردند دیگر مدرسه‌ای در کار نیست و وقتی ما را می‌دیدند انگیزه می‌گرفتند.»

مهدی‌زاده که مادر ۲ فرزند است مسیر رفت‌وآمد حدود ۲۰ تا ۲۵ دقیقه‌ای را از کلکبر تا روستای جانی‌بیگلو به‌طور مستمر طی می‌کند تا آموزش حتی در دشوارترین شرایط نیز ادامه داشته باشد؛ تلاشی که به گفته خودش بیش از هر چیز از حس مسئولیت و علاقه به آموزش نشأت می‌گیرد. این معلم تأکید می‌کند: «تلاش‌هایی نتیجه‌نمانده است. وقتی تکالیف دانش‌آموزان را بررسی می‌کنم می‌بینم روند یادگیری ادامه داشته است.» این معلم اضافه می‌کند: «برای من مهم بود که در این شرایط نقش خودم را ایفا کنم و نشان دهم که معلمان در هر شرایطی کنار دانش‌آموزان هستند و آنها را تنها نمی‌گذارند.»